

آوانس خان مساعدالسلطنه؛ نخستین وزیرمختار ایران در ژاپن*

هاشم رجب‌زاده**

چکیده

آوانس ماسحیان (۱۳۵۰-۱۲۸۲ق. / ۱۹۳۱-۱۸۶۴م.) ملقب به مساعدالسلطنه از ارمینیان برجسته ایران و از شخصیت‌های علمی و دولتمردان اوایل سده بیستم است. او تحصیلات خود را در تهران، تبریز و پاریس گذراند و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۱ق. / ۱۸۸۴م. مترجم مخصوص ناصرالدین شاه شد و در فعالیت‌های علمی و دیپلماتیک خوش درخشید و تا وزیرمختاری ایران در لندن ترقی یافت. آخرین مأموریت او، به عنوان وزیرمختار ایران در توکیو بود. آوانس خان که از نخستین مترجمان برجسته آثار ادبی و علمی از زبان انگلیسی به فارسی است، در خدمات رسمی و اداری نیز شخصیتی ممتاز بود و احترام و تحسین همگان، معاشران و رؤسای خود را برمی‌انگیخت. از دیگر جنبه‌های چشمگیر شخصیت و فعالیت او تلاشی بود که در سال‌های پس از جنگ جهانی اول برای ایجاد دولت مستقل ارمنستان نشان داد. شماری از رجال و محققان برجسته ایرانی، وی را به دانشوری و کاردانی در خدمات مملکتی ستوده‌اند. آکیئو کاساما نخستین وزیرمختار ژاپن در ایران نیز، که تقریباً هم‌زمان با وزیرمختاری آوانس خان در توکیو او هم در تهران مأموریت داشت، در خاطرات خود شرحی تحسین‌آمیز درباره این چهره برجسته ایرانی ارمنی نگاشته است. آوانس خان علاوه بر خدمات دولتی و دیپلماتیک، در مدرسه سیاسی تهران درس حقوق می‌گفت و در دوره ششم مجلس شورای ملی نمایندگی ارمینیان را برعهده داشت. آخرین مقام سیاسی او ریاست نمایندگی دیپلماتیک ایران در توکیو بود که حدود یک سال (تا مرداد ۱۳۱۰/ژوئیه - اوت ۱۹۳۱) به طول انجامید و در خاربین، سر راه بازگشت از توکیو - از طریق سبیری - درگذشت.

واژگان کلیدی: آوانس خان مساعدالسلطنه، مناسبات دیپلماتیک،

ایران، ژاپن

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۱.

** تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۵/۲۷.

E-mail: hashem@ares.eonet.ne.jp

** استاد مطالعات ایرانی و ژاپنی دانشگاه ریوکوکو، ژاپن

آوانس خان ماسیحیان (مسیحیان)، مؤلف، مترجم و دولتمرد اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، که در سال‌های خدمت خود در دستگاه قاجار لقب عمادالوزاره و سپس مساعدالسلطنه یافت و در شمار اندک رجالی بود که به مایه فضیلت علمی ترقی کرد و آخرین منصب او وزیرمختاری ایران در توکیو و افتتاح سفارتخانه در آنجا بود، برای امروزیان کمتر شناخته شده است و پایگاه علمی و شأن اداری او چنان که باید، ارج نهاده نشده است.

نام مساعدالسلطنه در متون فارسی آوانس یا آوانس نوشته شده است و مصحح کتاب *شورش هندوستان* در مقدمه خود آن را هووانس ماسئیان (مسیحیان) ضبط کرده است. (به راهنمایی ماریا آیوازیان - تریزان ۳۹-۳۷) اندرانیک هویان/هوویان مؤلف کتاب‌های *ایرانیان ارمنی* و *ارمنیان ایران* نام او را هووانس خان ماسیحیان نوشته است و همین هووانس یا هووانس که نگاشته یک شخص ارمنی زبان است، باید صحیح باشد.

نگاهی به زندگی آوانس خان

مصحح کتاب «شورش هندوستان» در مقدمه خود و نیز عباس اقبال آشتیانی در مقاله‌ای از *مجله یادگار*، شماره ۶ و چند نوشته درج شده در *نشریه هیئت مراسم یادبود هووانس خان ماسیحیان* زندگینامه کوتاهی از مساعدالسلطنه بر پایه منابع معتبر به دست داده‌اند که در زیر نقل گردیده، سپس مطالبی در تکمیل آن از منابع دیگر آورده می‌شود.

«آوانس خان ماسیحیان ملقب به مساعدالسلطنه در بیست و هشتم فوریه سال ۱۸۶۴ میلادی مطابق با ۱۲۸۱ هجری قمری در تهران به جهان آمد. پدرش سرونی یکی از زرگران و جواهرسازان زبردست زمان خود و زرگرباشی دستگاه شاهان قاجار بود...»

مادرش آنا پرواندیان خواهر اندون خان پرواندیان معلم فرانسه مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه بود». (بهروز، ۱۳۴۲: نشریه هیئت مراسم یادبود...)

«تحصیلات ابتدایی خود را در «باردوقیموس» واقع در حضرت عبدالعظیم به پایان رسانید. مقارن همین احوال و در سال ۱۸۷۰م. بود که عده‌ای از ارامنه تهران، مدرسه ارامنه هایکاریان را تأسیس و افتتاح کردند. هوانس وارد این مدرسه شد و در دوران تحصیل یکی از زبده‌ترین محصلین آنجا به شمار می‌رفت... پدرش تصمیم گرفت که در تعلیم و تربیت او بیش از پیش کوشش به عمل آورد؛ لذا او را پیش دانی‌اش پرواندیان که در تبریز بود، فرستاد». (صالحی، ۱۳۵۰، ۴۷-۴۶) «سپس برای تحصیلات به پاریس فرستاده شد... و در رشته علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ و ادبیات تحصیل کرد». (اساطوریان، در: نشریه هیئت مراسم یادبود...، ۱۳۴۲) پس از بازگشت از سفر اروپا در سال ۱۳۰۱ق./۱۸۸۴م. در شمار مترجمان مخصوص ناصرالدین شاه درآمد. در سال ۱۳۰۴ق./۱۸۸۷م. با هیئتی که از ایران برای جشن پنجاهمین سال سلطنت ملکه ویکتوریا روانه شده بود به لندن رفت و در سال ۱۳۱۱ق./۱۸۹۴م. با هیئتی دیگر که برای مراسم تاجگذاری نیکلای دوم امپراتور روسیه عازم پترزبورگ بود به آنجا مأموریت یافت. (همان)

مقام‌های بعدی او به ترتیب، ریاست دفتر وزارت داخله (۱۳۱۲ق./۱۸۹۵م.)، ریاست دارالترجمه وزارت امور خارجه با لقب عمادالوزاره، نیابت سفارت فوق‌العاده لندن در شصت سالگی سلطنت ملکه انگلیس (۱۳۱۴ق./۱۸۹۶-۹۷م.)، رتبه سرتیپی اول و نشان و حمایل آن (۱۳۱۵ق./۱۸۹۷م.)، مترجمی حضور همایونی (۱۳۱۶ق./۱۸۹۸م.)، ریاست اداره دول غیرهمجوار و ریاست پرسنل (کارگزینی) وزارت امور خارجه (اواخر ۱۳۱۶ق./۱۸۹۹م.)، مستشاری سفارت ایران در برلین (۱۳۱۹ق./۱۹۰۱م.)، نمایندگی در

کنگره شرق‌شناسان^۱ (۱۳۲۰ق./۱۹۰۲م.)، نمایندگی در کنفرانس حفظ‌الصحة (۱۳۲۵ق./۱۹۰۷م.)، مستشاری سفارت در برلن (۱۳۲۷ق./۱۹۰۹م.) و وزیرمختاری در همین سفارت (۱۳۲۹ق./۱۹۱۱م.) بود. (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۱۴۴)

آوانس خان سپس به ایران آمد و چندی ریاست دفتر ابوالقاسم خان قراگوزلو نایب‌السلطنه را در تهران عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۰ق./ ۱۹۱۲م. باری دیگر به مقام وزیرمختاری در برلین گمارده شد و پس از آن همین مقام را در لندن داشت. او سپس به نمایندگی آرامنه جنوب در مجلس شورای ملی انتخاب شد.^۲ در خلال این دوره، روز ۲۰ تیرماه ۱۳۰۶ / ژوئیه ۱۹۲۷ از نمایندگی کناره‌گیری کرد و پس از چندی وزیرمختار ایران در لندن شد. (شهریور ۱۳۰۶ / شهریور ۱۳۰۸ / تابستان ۱۹۲۷ تا تابستان ۱۹۲۹) آخرین مقام دولتی آوانس خان، وزیرمختاری ایران در توکیو بود (تیرماه ۱۳۰۹ تا مردادماه ۱۳۱۰ / تابستان ۱۹۳۰ تا تابستان ۱۹۳۱م.) «در اواخر سال ۱۳۱۰ شمسی، مرحوم آوانس خان از توکیو به تهران احضار شد و در مراجعت، چون به شهر خاربین از بلاد منچوری رسید، در آنجا (۲۷ آبان ۱۳۱۰ / ۸ رجب ۱۳۵۰ / نوامبر ۱۹۳۱) در حالی که ۶۷ سال شمسی داشت، وفات کرد. زمانی که جنازه او به سبیری رسید، اولیای امور محل به خیال آن که سفیر ایران مسلمان بوده است، نعش او را به آداب اسلامی تشییع کردند. جسد آوانس خان را در قبرستان آرامنه در قریه ونک از قرای شمال تهران به خاک سپردند». (اقبال، همان)

^۱ Orientalists

^۲ دوره ششم مجلس که در ۱۹ تیر ۱۳۰۵ / ژوئیه ۱۹۲۶ گشایش یافت.

تولد و تحصیل

درباره اوان زندگی و دانش آموزی آوانس خان، مؤلف کتاب «*رمنیان/ایران*» شرحی کوتاه و رسا آورده است که نقل می‌شود: «در بیست و هشتم فوریه سال ۱۸۶۳ میلادی، در کوچه آرامنه در محله دروازه شاه عبدالعظیم تهران کودکی دیده به جهان گشود که بعداً یکی از مفاخر ارمنیان ایران گردید. نام او را هوهانس نهادند. پدرش دزرونی، از زرگران و جواهرسازان مشهور دربار قاجار بود و در میان درباریان به نام ابراهیم خان زرگرباشی معروف بود.

از آثار برجسته ابراهیم خان زرگرباشی، کُره جواهرنشانی است که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده است. ابراهیم خان برای ساختن این کُره جواهرنشان و پایه‌ای که کُره بر آن استوار است مقدار سی و شش کیلوگرم طلا به کار بُرد. همچنین برای نشان دادن شهرها و مشخصات جغرافیایی کشورهای مختلف جهان تعداد پانزده هزار و سیصد و شصت و شش قطعه جواهر به وزن سه هزار و ششصد و پنجاه و شش قیراط در آن نشانند. این کُره هم اکنون در خزانه ملی بانک مرکزی ایران نگهداری می‌شود.

«مادرِ هوهانس، آننا پرواندیان، عضو یکی از خانواده‌های فاضل و سرشناس تبریز بود. هوهانس تحصیلات خود را در پائیز سال ۱۸۶۹م. در کلیسای تاتووس باردوقیموس در محلّ دروازه شاه عبدالعظیم نزد خلیفه مگردیچ آغاز کرد. (آکادمی علوم ارمنستان، *نکسپیرنامه*، بی تا: ۲۲۷) او یک سال بعد وارد مدرسه هایگازیان شد. در ۱۸۷۸م. دوره مدرسه هایگازیان را با موفقیت به پایان رساند و چون شاگرد ممتاز مدرسه بود مسئولان مدرسه به او نشان صلیب طلا اهدا کردند». (صالحی، ۱۳۵۰: ۴۵)

«برای تسلط [یافتن بر] زبان فرانسه، او را به شهر تبریز نزد دایی‌اش، آندون خان پرواندیان، فرستادند. پرواندیان یکی از معلمان مظفرالدین میرزا ولیعهد بود و زبان

فرانسه تعلیم می‌داد. هوهانس مدت سه سال نزد دایی خود به فراگیری و تکمیل زبان فرانسه پرداخت. در سال ۱۸۸۱ م. برای کسب معلومات بیش‌تر به کشور فرانسه رفت و در شهر پاریس در کِلژ دو فرانس^۱ به تحصیل پرداخت. پس از سه سال فارغ التحصیل شد و به تهران مراجعت کرد^۲. (هویان، ۱۳۸۰: ۳۸۲)

مشاغل و مناصب آوانس خان

۱- خدمت در دستگاه اعتمادالسلطنه

آوانس خان پس از فراغت از تحصیل به ایران آمد و در تهران وارد دستگاه اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان^۳ شد. او مانند میرزا محمدحسین خان فروغی^۴ در تحقیق و تحریر ترجمه‌هایی که برای شاه می‌شد، دست داشت. ناصرالدین شاه به او لقب خان داد و سپس ملقب به عمادالوزاره شد. (هویان، ۱۳۸۱: ۱۰۲) در «المآثر والآثار»، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، در فهرست اعضای «وزارت انطباعات و دارالترجمه خاصه دولتی و غیره»، در ردیف «مترجمین فرنگی و غیره»، از «مسیو آوانس خان، مترجم زبان فرانسه و انگلیسی» نام آمده، (همان، ۱۳۸۱: ۴۰۹) و اعتمادالسلطنه در خاطرات خود نیز چند جا از او یاد کرده است:

- «دوشنبه ۶ ذیقعد ۱۳۰۵: (در بستک) عصر که شاه... از دم چادر من عبور کردند، ایستادند چند دقیقه صحبت کردند. کتاب ترجمه میرزا آوانس خان را تقدیم کرد».

^۱ College de France، مدرسه معروفی که در سال ۱۵۲۹ م. در پاریس تأسیس شد.

^۲ وزیر انطباعات ناصرالدین شاه و رئیس دارالترجمه دولتی

^۳ ذکاءالملک اول، پدر محمدعلی فروغی

- «دوشنبه ۱۳ ذیقعدہ ۱۳۰۵: ... امروز کوچ است... صبح، اوانس خان را که صد تومان برایش انعام گرفتم طرف شهر فرستادم».

- «پنج شنبه ۲۳ رجب ۱۳۰۸: ... از جیب مبارک روزنامه نمره هفتم قانون را که از لندن برای من آورده بودند و دیروز به جهت شاه فرستاده بودم بیرون آوردند. اول از من سؤال فرمودند که این روزنامه به چه واسطه به تو رسیده. عرض کردم اوانس خان مترجم به توسط برادر خود برای من فرستاده».

عباس اقبال آشتیانی نیز در معرفی سفرنامه پنجمین نوشته است: «کتاب/ایران و ایرانیان تألیف پنجمین نخستین وزیرمختار آمریکا در ایران را، در سال‌های آخری سلطنت ناصرالدین شاه، مرحوم اوانس خان مساعدا السلطنه (۱۳۵۰-۱۲۸۱ق.) از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده و ترجمه او را مرحوم میرزا محمدحسین ذکاءالملک فروغی (متوفی سال ۱۳۲۵ق.) به انشای روان و درست فارسی درآورده...».

احتشام السلطنه در یادداشت‌های خود (ص ۳۹۷ و ۳۹۸) نوشته است: «اوانس خان پس از مراجعت از فرانسه با ماهی دو تومان توسط محمدحسن خان صنیع‌الدوله (لقب بعدی‌اش: اعتمادالسلطنه)، وزیر انطباعات، عضو دارالترجمه شد. اعتمادالسلطنه بار از دوشش می‌کشید و کتب و رسالات و آرتیکل‌های خارجی را به او می‌داد که ترجمه کند؛ بعد به اسم خودش به خرج می‌برد و چاپ می‌کرد. صنیع‌الدوله بسیار بداخلاق و حسود و پُرسو‌ظن و بدزبان بود. همه از شرّ زبانش وحشت داشته و به زحمت بودند. سالی یکی - دو کتاب ترجمه می‌کرد و به شاه می‌رسانید و کتابی پنجاه تومان انعام می‌دادند».

در این همکاری با اعتمادالسلطنه، این نکته قابل توجه است که پس از مغضوب شدن ملکم خان که با انتشار روزنامه قانون در لندن و در سرمقاله‌های آن به انتقاد از شاه پرداخته

بود و اعتماد السلطنه و ذکاء الملک به واسطه آشنایی و سابقه رفت و آمد با ملکم طرف سوءظن بودند و لطمه دیدند، به آوانس خان با وجود همکیشی با ملکم آسیبی نرسید. اعتماد السلطنه در یادداشت یکم شعبان ۱۳۰۸ نوشته است: «امروز شاه آهسته به فرانسه به من فرمودند: پدر میرزا ملکم خان را در آوردم! دیگر ندانستم چه است». بامداد در شرح حال رجال ایران (ج ۴: ۱۵۰) نوشته است که پس از توزیع روزنامه قانون در تهران، دولت در صدد دستگیری جمعی از هواخواهان ملکم از قبیل میرزا محمدعلی خان فریدالملک همدانی و میرزا محمدحسین ذکاء الملک فروغی برآمد. فروغی پس از چند روز پنهان زیستن، سرانجام پناه به امین السلطان بُرد. امین السلطان از وی در نزد شاه وساطت کرد و مورد عفو واقع شد.

۲- مترجمی شاه

در سال‌های ۱۳۰۴ ق. ۱۸۸۷ م. و ۱۳۱۴ ق. ۱۸۹۷ م. که هر بار هیئت سفارت فوق‌العاده از دربار قاجار برای شرکت در جشن‌های پنجاهمین و شصتمین سال پادشاهی ملکه ویکتوریا به لندن فرستاده شد و نیز در سال ۱۳۱۱ ق. ۱۸۹۴ م. که هیئت سفارت برای تبریک جلوس نیکلای دوم امپراتور روسیه به پترزبورگ روانه شد، آوانس خان در سمت مترجم همراه آنها بود. احتشام السلطنه در خاطرات خود (ص ۲۰۱) از مترجمی او در مأموریت اخیر یاد کرده است: «روز بعد از مهمانی سفارت برای شرفیابی به حضور امپراتور وقت تعیین شده بود... در قصر سلطنتی گاچی نا^۱ به حضور امپراتور رفتیم. آوانس خان مساعد السلطنه و مسیو رابی ترا که فارسی را خیلی خوب حرف می‌زد مترجم بود».

^۱ Gatchina

در منابع تاریخی اشاره‌هایی به مترجم بودن اوانس خان برای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه می‌یابیم؛ چنان که احتشام‌السلطنه در ذکر نمونه‌ای از بی‌اطلاعی مظفرالدین شاه به احوال عالم نوشته است: «روزی که وزیرمختار بلجیک (= بلژیک) به حضور مظفرالدین شاه رسیده بود و اوانس خان هم برای مترجمی حضور داشت، شاه از وزیرمختار پرسیده بود: احوال اعلیٰ حضرت امپراتور شما چطور است!!». (احتشام‌السلطنه ۱۳۶۸: ۳۹۳)

۳- تدریس

اوانس خان پس از بازگشت از اروپا، علاوه بر مترجمی در وزارت انطباعات ناصری و ترجمه برای شاه، به تدریس نیز اشتغال داشت. احتشام‌السلطنه، که پس از انتصابش به وزیرمختاری در برلین، مساعداالسلطنه را برای عضویت این سفارت همراه برد، نوشته است: «در سال ۱۳۰۹ق، پس از ورود به تهران...، کمتر از اندرون بیرون می‌آمدم و اوانس خان را مجدداً آورده و به تکمیل زبان فرانسه نزد او پرداختم». (ص ۱۷۱)

در جای دیگر از یادداشت‌های احتشام‌السلطنه (ص ۳۹۸) می‌خوانیم: «اوانس خان، بعد از آشنایی با من، مدتی به من درس می‌داد و به قدر وسع خود از ماهی هفت تومان تا ده و پانزده تومان به او شهریه می‌دادم. مدتی بعد معلم عبدالله خان امین‌السلطان حالیه، پسر میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، شد».

مساعداالسلطنه بعدها در مقام و منزلت علمی تا جایی پیش رفت که به جای مشیرالدوله در مدرسه سیاسی درس حقوق می‌گفت. عبدالله مستوفی نوشته است: «در مدرسه سیاسی) وقتی که مشیرالملک با شاه موقتاً به سفر دوم فرنگ رفت او هانس خان عمادالوزاره رئیس دارالترجمه وزارت امور خارجه به جای او برای ما درس حقوق می‌گفت». (مستوفی، ج ۲، ۱۳۶۰: ۷۶) مؤلف «رمنیان/یران» نوشته است که اوانس خان پس از

تصدی سرپرستی دارالترجمه وزارت امور خارجه، در سال ۱۸۹۷م، در مدرسه دارالفنون - شعبه علوم سیاسی آن - به تدریس حقوق بین‌الملل پرداخت. (هوویان، ۱۳۸۰: ۳۸۳)

باستانی پاریزی شرح بیش‌تری در این باره به نقل از «تاریخ بیداری ایرانیان» آورده است: «در ابتدا، مدرسه (سیاسی) یک کلاس بیش‌تر نداشت و معلمین این دوره عبارت بودند از مشیرالدوله معلم حقوق، صدیق حضرت معلم تاریخ، میرزا حبیب‌الله معلم فقه، اردشیر جی معلم تاریخ، مرل معلم فرانسه، عبدالرزاق خان معلم جغرافیا. در ۱۳۱۹ق. ۱۹۰۱م. مرحوم مشیرالدوله به فرنگ رفت و آقای عمادالوزاره به جای ایشان حقوق تدریس می‌کرد و آقای محقق‌الدوله کفالت ریاست را به عهده داشت». (باستانی پاریزی، ۱۳۵۶: ۹۵-۹۴)

«علاوه از میرزا عبدالرزاق خان بُغایری معلم جغرافی، دکتر مرل معلم فرانسه، مشیرالملک معلم حقوق، اوهانس خان عمادالوزاره رئیس دارالترجمه وزارت امور خارجه، ژوزف هنیک بلژیکی مشاور حقوقی وزارت خارجه نیز در غیاب مشیرالملک حقوق تدریس می‌کردند». (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۴۴۶)

۴- شرکت در مجامع و مناسبت‌های بین‌المللی

علاوه بر کنفرانس‌ها و مجالسی که در حوزه مأموریت‌های ثابت او: برلین، لندن و توکیو برگزار شده است و مساعدالسلطنه به اقتضای سِمَت خود در آن حضور داشته است، از شرکت او در مجامع و مراسم بین‌المللی زیر در جای مأموریت‌های مستقل و جداگانه یاد شده است که به ترتیب تاریخ عبارتند از:

* ۱۳۰۴ق. ۱۸۸۷م. - عضویت در هیئت سفارت فوق‌العاده به لندن برای شرکت در جشن پنجاهمین سال سلطنت ملکه ویکتوریا.^۱

^۱ ملکه ویکتوریا سال‌های ۱۸۳۷م. تا ۱۹۰۱م. بر تخت سلطنت بود.

* ۱۳۱۱ق/۱۸۹۴م. - عضویت در هیئت سفارت فوق العاده به سن پترزبورگ برای شرکت در مراسم تاجگذاری نیکلای دوم، امپراتور روسیه. احتشام السلطنه نوشته است: «برای تعزیت مرگ امپراتور متوفی^۱ و تبریک امپراتور جدید^۲، وجیه الله میرزا سردار که بتازگی از حکومت خمسه آمده بود به عنوان سفیر فوق العاده نامزد شد و مرا مستشار اول سفارت نمودند... اوانس خان عمادالوزاره به سمت مترجم هیئت نمایندگی ایران منصوب شد... مجموعه نه نفر بودیم». (احتشام السلطنه، ۱۳۶۸: ۷۱-۱۷۰)

* ۱۳۱۴ق/۱۸۹۷م. - شرکت در جشن شصتمین سال سلطنت ملکه ویکتوریا با هیئت سفارت فوق العاده. افضل الملک در وقایع سال ۱۳۱۴ق. نوشته است: «در این اوان، در لندن و دربار دولت فخمیه انگلیس، که موقع سال شصتم سلطنت علیاحضرت پادشاه و ملکه انگلستان و امپراطریس هندوستان است... از طرف دولت علیه ایران هم نواب شاهزاده وجیه الله میرزای امیرخان سردار معظم... به سمت سفارت مخصوص سزاوار شدند با اجزاء مفصله زیر: ... اوانس خان ارمنی عمادالوزاره، مترجم». (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۷۵)

* ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م. - شرکت در جشن هشتادسالگی تولد ملکه ویکتوریا در لندن.

* ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م. - شرکت در گنجره شرق [شناسی]. (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۱۴۴)

* ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م. - نمایندگی ایران در کنفرانس بین الملل کشتیرانی و سواحل

دریاها و ایستگاه‌های رادیویی. (هوویان، ۱۳۸۰: ۳۸۳)

* ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م. - نمایندگی در کنفرانس حفظ الصحه. (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۱۴۴)

* ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م. - شرکت در کنفرانس بین الملل نویسندگی در برلین. (هوویان، ۱۳۸۰: ۳۸۴)

^۲ الکساندر سوم

^۳ نیکلای دوم

هـ- مأموریت برلین

احتشام‌السلطنه، در شرح مأمور شدن خود به وزیرمختاری در برلین نوشته است: «آوانس‌خان، عمادالوزاره (مساعدالسلطنه) را به مستشاری سفارت با خود آوردم و در چهارم ژوئن ۱۹۰۱م. وارد برلین شدم». (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۴۶۲) او درباره خدمت آوانس‌خان در نمایندگی دیپلماتیک ایران در آلمان شرح نسبتاً دقیقی آورده است که می‌رساند که مساعدالسلطنه ۹ سال (بین سال‌های ۱۹۰۱م. تا ۱۹۱۰م.) نخست، مستشار سفارت و چندین سال کاردار بوده است و در سال‌های ۱۹۱۱م. تا ۱۹۱۵م. مقام وزیرمختاری در برلین داشته است. احتشام‌السلطنه در بخشی از خاطرات خود زیر عنوان «آوانس‌خان مساعدالسلطنه» او را چنین معرفی کرده است: «در مأموریت امیرخان سردار به روسیه... به سِمَتِ ترجمانی ما به پترزبورغ آمد... بعد داخل خدمت وزارت خارجه شد و رئیس دارالترجمه، و سپس مدیر تحریرات بعضی از دُول همجوار شد و در موقع مأموریت من به برلن به ملاحظه سابقه و اطلاعاتش به سِمَتِ مستشاری سفارت به برلن آمد و مدت پنج سالِ اوّل متفقاً کار می‌کردیم».

من او را به عنوان شارژدافر در برلن گذاردم و خود برای مرخصی به تهران آمدم و در مدت غیبت من از برلن که ابتدا برای مرخصی آمدم... و به نمایندگی مردم به مجلس رفته و به ریاست مجلس انتخاب شدم... و همچنین تا بعد از استعفای من از ریاست مجلس شورای ملی که جمعاً دو سال و چند ماه طول کشید، آوانس‌خان همچنان شارژدافر ایران در برلن بود».

«پس از انفصال من از برلن تا هنگام مأموریت ثانوی، که از ۴ ژوئن ۱۹۰۸ تا ۱۳ فوریه ۱۹۱۰ طول کشید، آوانس‌خان مستقلاً شارژدافر یا وزیر مقیم برلن بود و بعد به تهران احضار شد و چون مورد اعتماد ناصرالملک (ابوالقاسم خان) نایب السلطنه بود در

خدمت او مشغول کار گردید؛ تا در سال ۱۹۱۱م. پس از این که من به سفارت کبرای اسلامبول مأمور شدم، آوانس خان به سِمَت وزیرمختار، مجدداً به برلن آمد و تا اوائل سال ۱۹۱۵م.، چند ماه بعد از آغاز محاربهٔ عمومی (= جنگ بین الملل اول) در این مأموریت باقی بود و پس از انفصال هم به ایران نرفت». (احتشام السلطنه، ۱۳۶۸: ۳۹۸-۳۹۹)

عبدالله مستوفی نوشته است که در سال‌های سلطنت محمدعلی شاه^۱ که همراه مشیرالملک به برلن رفته است، دیده که «عمادالوزاره نایب اول سفارت برلن در غیاب احتشام السلطنه، وزیرمختار، شارژدافر است». (مستوفی، ج ۲، ۱۳۶۰: ۱۸۸)

۶- نمایندگی مجلس و وزیرمختاری در لندن

آوانس خان در فاصلهٔ پایان تصدتی سفارت در برلین تا وزیرمختاری در لندن، به نمایندگی آرامنهٔ جنوب در دورهٔ ششم مجلس شورای ملی انتخاب شد. این دورهٔ مجلس از ۱ شهریور ۱۳۰۵ / ۲۱ اوت ۱۹۲۶ با به تصویب رسیدن شمار لازم از اعتبارنامه‌های نمایندگان آمادهٔ کار شد (عاقلی، ۱۳۶۹) و تا ۱۴ مهر ۱۳۰۷ / ۶ اکتبر ۱۹۲۸ که دورهٔ هفتم مجلس گشایش یافت، ادامه داشت.

در اثنای این دورهٔ مجلس، دولت ایران که با انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی چهرهٔ تازه‌ای یافته بود؛ آوانس خان را در مقام وزیرمختار به لندن فرستاد. او روز ۲۰ تیرماه ۱۳۰۶ / ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۷ از مجلس استعفا داده بود (همان، ۱۳۶۹). به نظر می‌آید که این استعفای او مقدمهٔ انتصاب وی به سِمَت وزیرمختاری در لندن بود، زیرا که احراز مقام رسمی دولتی با داشتن سِمَت نمایندگی مجلس منع قانونی داشت. دوره

وزیرمختاری مساعدالسلطنه در لندن از شهریور ۱۳۰۶ تا شهریور ۱۳۰۸ / تابستان

۱۹۲۷ م. تا تابستان ۱۹۲۹ م. بود. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹: ۴۲)

۷- مأموریت در توکیو

سفارت در ژاپن، آخرین مقام رسمی آوانس‌خان بود. «سفارت ایران در توکیو در اول تیرماه ۱۳۰۹ / ۲۲ ژوئن ۱۹۳۰ به وزیرمختاری مساعدالسلطنه تأسیس شد و او تا مرداد ۱۳۱۰ / ژوئیه - اوت ۱۹۳۱ وزیرمختار بود». (دفتر مطالعات، ۱۳۶۹: ۴۱)

درباره تعیین و انتخاب آوانس‌خان به سمت نخستین وزیرمختار در ژاپن، رابینو نوشته است که: چون دولت ایران در صدد ایجاد روابط سیاسی و بازرگانی با ژاپن برآمد، «هوهانس‌خان مساعدالسلطنه را که سال‌های دراز سابقه فعالیت سیاسی داشت و سیاستمداری کارآزموده بود به ژاپن اعزام داشت». (رابینو، ۱۳۶۲: ۲۲۹) کازاما نوشته است که: چون در آن سال‌ها دیپلمات آشنا به زبان انگلیسی کم بود، آوانس‌خان رابه سمت وزیرمختار در توکیو انتخاب کردند. (کازاما، ۱۳۸۰: ۸۶) کازاما حمایت و تقویت تیمورتاش را هم در این انتخاب مؤثر قلمداد کرده است: «تیمورتاش، وزیر مقتدر دربار، زن دومش اهل روسیه و ارمنی بود و از طریق او با مساعدالسلطنه خویشاوندی داشت و چنین بود که نخستین وزیرمختار ایران که به ژاپن آمد ارمنی بود». (همان)

دوره وزیرمختاری مساعدالسلطنه در توکیو، چنان که یاد شد، نسبتاً کوتاه بود و منابع در دسترس، علت پایان زودهنگام مأموریت او را روشن نمی‌کند. به نوشته هویان: «هوهانس‌خان پس از گشایش سفارت ایران و انجام مأموریت خود در کشور ژاپن بیمار و روانه ایران شد». (هویان، ۱۳۸۰: ۳۹۲) اما از منابع موجود بر نمی‌آید که او فقط برای گشودن سفارتخانه و در جای سفیر فوق‌العاده، نه مقیم به توکیو رفته باشد. عباس اقبال نوشته است:

«در اواسط سال ۱۳۱۰ شمسی مرحوم اوانس خان از توکیو به تهران احضار شد». متن آگهی ترحیم او نیز تصریح دارد که «در خابین در نتیجه چند روز کسالت وفات نمود».

با فعالیت‌هایی که مساعداالسلطنه در یکی - دو دهه اخیر زندگی خود داشته است و حساسیت‌هایی که این فعالیت‌ها برانگیخته بود و نیز با حسدها و رقابت‌ها میان رجال منصوب و معزول و منتظران مقام در وزارت امور خارجه، احضار او در میان دوره مأموریت محتمل‌تر می‌نماید. از سویی نیز، از قراین چنین پیداست اوانس خان که پس از فقط یک سال تصدی وزیرمختاری در توکیو به مأموریتش پایان داده شده بود، با وعده یا قرار تصدی مقامی دیگر، حداقل در ایران، روانه بازگشت نشده است و به احتمال بسیار به ایران بازنمی‌گشته است. رونوشت نامه‌ای از یک شرکت ژاپنی^۱ در توکیو به عنوان آقای هیببی (به احتمال، کارمند محلی سفارت ایران در توکیو) در پرونده پرسنلی اوانس خان به شماره ۶۴/۲۲۹، ۱۷۱ قسمت ۳ می‌رساند که اثاثه‌اش، حاوی لباس رسمی خود را به پاریس فرستاده بود که با مرگ او و عدم امکان رساندنش آن را در یک انبار عمومی در اینجا نگاه داشته بودند. به این قرینه، او قصد رفتن به فرانسه داشته است. بخشی از اثاثه او هم در لندن نگهداری می‌شده است. مکاتباتی منتهی به نامه شماره ۲۹۴۴۶ مورخ ۱۳۱۲/۹/۸ وزارت امور خارجه به قرايط خان ماسحیان برادر اوانس خان، راجع است به «اثاثه مرحوم اوانس خان مساعدا که نزد کمپانی میپل^۲ به امانت گذاشته شده بود»، و با طولانی شدن مدت، قیمت کل این اثاثه تکافوی حق انبارداری آن را نمی‌کرده است.

جانشین اوانس خان در توکیو، حسنعلی خان کمال هدایت بود که دوره وزیرمختاری او را از شهریور ۱۳۱۰ تا مهر ۱۳۱۲ / اوت - سپتامبر ۱۹۳۱ تا سپتامبر -

اکتبر ۱۹۳۳) نوشته‌اند. (دفتر مطالعات، ۱۳۶۹: ۴۱)

^۱ Kaitasusha Ltd.

^۲ Maple & Company Ltd.

دیگر فعالیت‌های اجتماعی

آوانس خان جز تصدی سمت‌های دولتی و رسمی، از عضویت وزارت انطباعات ناصری گرفته تا مقام‌های عالی و از آن میان ریاست دفتر ناصرالملک نایب‌السلطنه و وزیرمختاری در برلین، لندن و توکیو و یک دوره نمایندگی مجلس شورای ملی، فعالیت‌های اجتماعی مؤثر دیگر نیز داشته است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

- شرکت در جنبش مشروطه‌خواهی ایران و همکاری با یپرُم خان در مبارزه علیه

محمدعلیشاه. (تبرآنیان، ۱۳۷۲: ۵۲)

- انتشار روزنامهٔ ارمنی زبان «شایوق» در سال ۱۳۱۱ق./۱۹۸۴م. (هویان، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

- در یکی از منابع از همراهی او با شماری دیگر از رجال در هشدار دادن به احمدشاه نسبت به خیالات سردار سپه سخن آمده است: «در نامه‌ای که سرتیپ حبیب‌الله خان شببانی - که آن روزها در پاریس مأموریت‌هایی داشته است - در رجب ۱۳۴۲ق. / فوریه ۱۹۲۴م. به ذکاءالملک محمدعلی فروغی وزیر خارجهٔ سردار سپه (و آن را از جهت احتیاط در جوف نامهٔ قزوینی به تقی‌زاده فرستاده) نوشته است: «انگلیس‌ها در قشون ایران طرفدار مهم از میانهٔ صاحب‌منصبان ارشد پیدا کرده‌اند... در فرنگستان حالیه یکی از مساعی‌شان این است که شاه را با خودشان همراه کنند؛ و برای این کار آلت فقاالشان، مخبر مخصوص (روزنامه) «تان» است. مشارالیه همواره به وسیلهٔ انتشارات، شاه را تهدید می‌کند که حضرت اشرف سردار سپه خیال ریاست جمهوری را دارند... این هیئت را هم که اخیراً به عنوان هیئت اقتصادی اعزام فرموده‌اید (رهنما و فهیم‌الدوله و مؤدب‌الدوله) علناً بر ضدّ دادن امتیازات به آمریکاییها در ایران و بر ضدّ حکومت حالیه ایران... و لزوم دادن امتیازات به انگلیسیها انتشارات داده و تبلیغات می‌کنند. وثوق‌الدوله و بعضی از شاهزادگان و ... اوپس خان مساعدالسلطنه ارمنی،

وزیرمختار سابق ایران در برلن، و بعضی از این قبیل اشخاص هم با آنها هم آواز هستند؛ ولی این جمع را مخبر مخصوص «تان» مطابق دستور وزارت خارجه دولتین بزرگ اروپای غربی اداره می کند». (باستانی پاریزی، ۱۳۵۶: ۳۸۱؛ قزوینی، نامه‌های پاریس، ۳۰۹-۳۱۱)

فعالیت برای استقلال ارمنستان

در میان منابع فارسی که به اوانس خان اشاره دارد، تا آنجا که یافت شده است، احتشامالسلطنه در خاطرات خود با همه تحسین‌هایی که از مساعداالسلطنه دارد، از فعالیت او برای استقرار دولت مستقل ارمنستان نیز یاد کرده است و در شرح سفارت فوق‌العاده ایران برای تبریک جلوس نیکلای دوم امپراتور روسیه در سال ۱۳۱۱ق/۱۸۹۴م. نوشته است: «مرا مستشار اول هیئت نمودند... اجزاء سفارت عبارت بودند از: ... اوانس خان عمادالوزاره - که حالا مساعداالسلطنه است و بعداً به وزارت مختار برلن رسید، و در محاربه عمومی آلمان‌ها بعضی نسبت‌ها به او دادند و منفصل شد و داخل حکومت ارمنستان گردید و دوندگی‌های زیاد کرد تا از طرف دولت ارمنستان وزیرمختار لندن شود و چون نمایندگان مختار و مأمورین سیاسی ارمنستان کما فی‌السابق به دولت روسیه محول شد، آن بیچاره به آرزوی خود نرسید و با فلاکت در وین بیکار و مشغول ترجمه شکسپیر است و استراحت می‌کند - به سِمَت مترجم هیئت نمایندگی منصوب شد». (احتشامالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۷۰)

احتشامالسلطنه در جای دیگر از یادداشت‌های خود، در شرح خاطراتش از اوانس خان، اشاره‌ای کنایه‌آمیز به این تلاش نافرجام مساعداالسلطنه دارد: «در سنه ۱۹۱۱م.... اوانس خان مجدداً به سِمَت وزیرمختار به برلن آمد و تا اوائل سال ۱۹۱۵م. - چند ماه بعد از آغاز محاربه عمومی (= جنگ جهانی اول) - در این مأموریت باقی بود و

پس از انفصال هم به ایران نرفت و در اروپا می‌گشت و برای آرامنه در تک و دو بود؛ و سپس به خدمت «حکومت ارمنستان» درآمد و قرار بود از جانب کشور مستقل ارمنستان وزیرمختار لندن باشد. ولی استقلال ارمنستان از میان رفت و حق داشتن نمایندگان سیاسی از آن دولت سلب شد. آوانس خان بیچاره بلا تکلیف و سرگردان باقی ماند؛ گاهی در لندن و گاهی در پاریس بود؛ اما محل اقامت دائمی خود را وینه قرار داده بود». (همان، ۱۳۶۸: ۳۹۹)

اگر شرح احتشام السلطنه درست و دقیق باشد، علت کوتاه ماندن مساعد السلطنه در مأموریت لندن و به احتمال توکیو را می‌توان دریافت.

کازاما نخستین وزیرمختار ژاپن در تهران، که در مناسبت وصف جلفا و سخن از آرامنه در ایران از مساعد السلطنه یاد کرده است، پس از تکرار دلسوزانه اینکه ارمنیان کشوری برای خود ندارند، افزوده است: «در قفقاز، در جمهوری‌های شوروی، ناحیه‌ای به نام ارمنستان هست؛ اما این فقط اسم و ظاهر است. در ترکیه (عثمانی قدیم) آرامنه گاهی کشتار شده‌اند؛ اما در ایران با آنها نسبتاً گرمی و خوش رفتاری شده است». (کازاما، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۵)

کازاما در پایان شرح خود از جلفا و آرامنه نوشته است: «در کنفرانس صلح پاریس، پس از جنگ جهانی اول، برای شناسایی کشور ارمن تلاش شد. مساعد السلطنه هم که بعد وزیرمختار ایران در ژاپن شد، در جای یکی از نمایندگان تام‌الاختیار آرامنه و نامزد وزارت خارجه دولت مستقل ارمنستان [به این کنفرانس آمده] بود. با این سابقه، شماری از دیپلمات‌های جوان خوش نداشتند که او نماینده سیاسی ایران در ژاپن بشود». (همان، ۱۳۸۰: ۸۷) نیز او نوشته است: «یک دیپلمات جوان روس [در تهران؟] در نهران [از این انتصاب] خشمگین بود». (همان، ۸۶)

مهدی بامداد در بیان احوال مساعداالسلطنه شرحی تحلیلی در این باره آورده است: «اوانس یا هوانس خان ماسنیان ابتدا ملقب به عمادالوزاره و بعد ملقب به مساعداالسلطنه شد... در سال ۱۳۳۰ق. / ۱۹۱۰م. به وزیرمختاری ایران دربرلن انتخاب گردید؛ تا آن که در سال ۱۳۳۵ق. / ۱۸۱۵م در جنگ بینالملل اول چون آلمان‌ها به واسطهٔ ارمن بودنش نسبت به وی چندان خوشبین نبودند و از دولت ایران تغییر او را خواستند، دولت ایران نیز موافقت کرد و او را از برلن تغییر داد و حسینقلی خان نواب به جای او منصوب شد. در دورهٔ ششم از طرف ارامنهٔ جنوب به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شد و در همین سمت نمایندگی از طرف دولت وزیرمختار ایران در لندن گردید. این مأموریت هنگامی صورت گرفت که داویدیان ارمنی به سمت سفیر دولت شوروی در ایران انتخاب گردید و ارامنهٔ ایران بیش از پیش هواخواه روس‌ها شدند. انگلیسی‌ها برای این که آنان را متوجه خود نمایند و تعادلی در افکار ارامنه ایجاد شود اوانس خان را به سمت سفیر ایران در لندن برگزیدند». (بامداد، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۷۴-۱۷۳)

هوویان یا هویان نویسندهٔ کتاب‌های *ارمنیان ایران* و *ایرانیان ارمنی* به ترتیب در صفحه‌های ۳۸۵ و ۱۰۲ در باره این فعالیت مساعداالسلطنه همین اندازه نوشته است که وی: «در سال ۱۳۰۰ش. / ۱۹۲۲م وزیرمختار ایران در کشور آلمان شد. در آغاز جنگ جهانی اول چون آلمان دوست و متحد عثمانی بود و دولت عثمانی سیاست خصمانه‌ای نسبت به ارمنیان داشت، دولت ایران هوانس خان مساعداالسلطنه را به تهران فراخواند». تبرائیان در مقدمهٔ «شورش هندوستان»، به نقل از صالحی (ص ۴۹-۴۸) نوشته است: «در زمان جنگ اول بین‌المللی، ماسنیان کمک زیادی به ارامنهٔ آلمان کرد، زیرا دولت آلمان با دولت ترکیه قراردادهایی داشت و به موجب آن به ارامنهٔ آنجا روی خوش نشان نمی‌داد؛ لذا ارامنهٔ آنجا به کمک هوانس دسته دسته از برلن خارج می شدند».

تبرانیان افزوده است: «انگیزه پیوستن او به مبارزین ارمنی و دیدگاه او مبنی بر خاتمه این درگیری خونین و بی‌ثمر از همین جا شکل می‌گیرد». (منبع شفاهی: اریک مساعدی فرزند اسکندر خان. همچنین بنگرید به کولیس (مجله)، استانبول، ش ۳۹۸، سال ۱۹۸۶)

دیپلمات مسیحی تسبیح گردان

آوانس خان با فضیلت‌های بسیار و شخصیت و درستی و کاردانی، طبعاً نمی‌توانست از اوضاع پریشان آن روزگار ایران خشنود باشد.

شادروان عزالدین کاظمی که نگارنده مدت دو سال (یک سال پیش و یک سال پس از انقلاب اسلامی) افتخار خدمت در دفتر حقوقی وزارت امور خارجه تحت ریاست او را داشت، در دیداری در سال ۱۳۸۱ از مرحوم باقرخان کاظمی پدر خویش و وزیر پیشین امور خارجه نقل می‌کرد که او روزی در سرسرای وزارت امور خارجه، مساعدالسلطنه را می‌بیند که تسبیح در دست دارد و می‌گرداند. مرحوم باقر کاظمی با لحن آمیخته به مزاح به آوانس خان می‌گوید: عجیب است، او که مسیحی است تسبیح می‌اندازد، چون تسبیح را معمولاً مسلمان‌ها در دست دارند و دانه دانه می‌شمارند و ذکر می‌گویند. آوانس خان در پاسخ می‌گوید: «خوب، من هم ذکر می‌گویم»؛ و چون مرحوم کاظمی از وی می‌پرسد که زیر لب چه ذکر می‌گوید، پاسخ می‌شود که او دارد عبارت زیر را به فرانسسه می‌گوید و تکرار می‌کند:

Quel pays!

Quelle Justice!

Bon Dieu, sauvez - nous!

معنی این سخن به فارسی این است:

«چه مملکتی! چه عدالتی! خدای بزرگ، خودت ما را نجات بده!»

نشان‌ها و مدال‌ها

نشان‌ها و مدال‌هایی که مساعداالسلطنه در طول خدمت و در مأموریت‌های رسمی خود از دولت ایران و دولت‌های دیگر گرفته بود و در منابع در دسترس (هویان، ۱۳۸۱: ۲۹۴؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۲۰۰؛ شورش هندوستان، ۱۳۷۲: ۱۳؛ و امتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۱۴۴) برشمرده شد به ترتیب تاریخ چنین است:

- نشان درجه دوم شیر و خورشید از دولت ایران. ۱۳۰۴ق./۱۸۸۷م.
- سنّ آنا از درجه سوم از دولت روسیه. ۱۳۱۰ق./۱۸۹۳م.
- درجه دوم استانیسلاس از دولت روسیه تزاری. ۱۳۱۲ق./۱۸۹۵م.
- رتبه سرتیپی اول با نشان و حمایل آن از دولت ایران. ۱۳۱۵ق./۱۸۹۸م.
- نشان عقاب قرمز پروس از درجه دوم. ۱۳۱۶ق./۱۸۹۹م.
- سنّ موریس و سنّ لازار از درجه کماندو ایتالیا. ۱۳۱۹ق./۱۹۰۱م.
- طلای علمی. ۱۳۱۹ق./۱۹۰۱م.
- عقاب مکمل از درجه دوم. ۱۳۲۰ق./۱۹۰۲م.
- آلبرت ساکس از درجه دوم با ستاره. ۱۳۲۵ق./۱۹۰۷م.
- سنّ میشل باویر از درجه دوم با ستاره. ۱۳۲۵ق./۱۹۰۷م.
- درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز از دولت ایران. ۱۳۲۵ق./۱۹۰۷م.

خصال مساعداالسلطنه

کسانی که در معرفی آوانس خان و زندگی کاری و فعالیت ادبی او شرحی نوشته‌اند، همه از وی به نیکی یاد کرده و زبان‌دانی، کارآیی و درست‌کرداری او را ستوده‌اند.

احتشام‌السلطنه که در سال‌های وزیرمختاری او در برلن، عضو این نمایندگی بود و پیش از آن هم از آوانس‌خان فرانسه می‌آموخت، از وی چنین یاد کرده است: «آوانس‌خان پسر استاد ابراهیم زرگرباشی ارمنی، جوانی به پاریس رفته بود؛ و چون قبل از مسافرت در مدرسهٔ ارامنه تهران تحصیلات ابتدائی کرده و سپس به پاریس رفته و سه سال و نیم در آنجا اقامت کرده بود، زبان فرانسه را خیلی خوب می‌دانست و خوب حرف می‌زد و با ادبیات فرانسه آشنایی کامل داشت. انگلیسی را هم در تهران یاد گرفت و فارسی را خوب و صحیح حرف می‌زد و می‌نوشت». (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۳۹۷)

هم او زیر عنوان «چند خاطره از خدمت در وزارت خارجه» دربارهٔ مساعدالسلطنه نوشته است: «در مدت مأموریت وزارت خارجه و مأموریت برلن که آوانس‌خان از نزدیک با من همکاری داشت و با هم بودیم، به درستی و صحت عمل او را شناختم و اعتماد به او داشتم. هر کاری به او رجوع می‌شد به خوبی از عهدهٔ انجام آن برمی‌آمد. آوانس‌خان هم بر مرحوم مشیرالدوله (شیخ محسن خان) نفوذ داشت، ولی او از رخنه و نفوذ در مزاج وزیر خارجه سوءاستفاده نمی‌کرد. باید از او ممنون بود. ای کاش ایرانیان حقیقی و مسلمانان واقعی ده یک صمیمیت او را داشته و صد یک خدمات او را به مملکت ایران می‌کردند». (همان، ۱۳۶۸: ۳۹۹)

احتشام‌السلطنه رفتار رقابت‌آمیزی را هم که در آوانس‌خان دیده بود، طبیعی و پذیرفتنی دانسته است: «روز ۱۳ فوریه ۱۹۱۰ میلادی (۱۳۲۸ق.) برای بار دوم به عنوان وزیرمختار ایران وارد برلن شدم... آوانس‌خان در برلن شارژدافر بود و طبعاً مایل به انتصاب من نبود و حقاً بعضی اقدامات کرد که البته مؤثر نشد». (همان، ۱۳۶۸: ۸۰۸-۸۰۹)

کازاما که هم‌زمان با مأموریت آوانس‌خان در توکیو وزیرمختار ژاپن در تهران بود، در یادداشت‌هایش ارمنیان را «مردمی بسیار باهوش، حساس، و کارآمد» قلمداد کرده

(کازاما، ۱۳۸۰: ۸۷) و در ستایش اوانس خان نوشته است: «مساعداالسلطنه در انگلیس درس خوانده و ادیب ناموری بود و کلیات شکسپیر را به زبان ارمنی ترجمه کرد. وی زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی می‌دانست». (همان، ۱۳۸۰: ۸۶) شکسپیرشناسی اوانس خان، کازاما را به این اشتباه انداخته که مساعداالسلطنه درس خوانده انگلیس بوده است. تحسین کازاما از مساعداالسلطنه شاید تا اندازه‌ای از این احساس برآمده باشد که شخصیتی از نمونه خود را در او می‌یافته است: مردی فرهیخته و با چند قابلیت: دیپلمات، سیاستمدار، مدیر، زبان‌دان، ادیب و محقق.

مؤلف «رمنیان/ایران» نوشته است که پس از درگذشت اوانس خان، روزنامه‌های خارج به او لقب «ارمنی بزرگ» دادند. (هوویان، ۱۳۸۰: ۳۹۳)

آثار ادبی او

اوانس خان از برجسته‌ترین و پرکارترین مترجمان نوشته‌های اروپاییان در دوره قاجار به شمار می‌آید. هوویان نوشته است: «هوهانس خان نزدیک به پنجاه جلد کتاب از نویسندگان مشهور اروپا مانند آلكساندر دوما، پیر لوتی، چارلز دیکنز و نویسندگان دیگر برای مطالعه ناصرالدین شاه ترجمه کرد». (همان، ۱۳۸۰: ۳۸۴)

به گوشه‌هایی از فعالیت ادبی او در شرح خدمت وی در وزارت انطباعات ناصری اشاره شد. احتشام‌السلطنه نوشته است: «بزرگ‌ترین یادگار اوانس خان مساعداالسلطنه ترجمه شکسپیر است که به زبان ارمنی به نظم درآورده و در واقع عمری زحمت کشیده و یادگار بزرگی از خود باقی گذارد». (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۳۹۹)

مؤلف ارمنیان ایران نوشته است: «هوهانس خان هنگامی که در فرانسه تحصیل می‌کرد به ترجمه آثار نویسندگان اروپایی علاقمند شد... و توانست در مدت نزدیک به

چهل سال فعالیت ادبی خود تعداد زیادی کتاب از نویسندگان مشهور جهان به زبان‌های فارسی و ارمنی ترجمه کند.

«در بهار سال ۱۹۱۶ میلادی... بسیاری از شکسپیرشناسان از کشورهای مختلف جهان به لندن دعوت شده بودند تا در مراسمی به مناسبت سیصدمین سال درگذشت ویلیام شکسپیر... شرکت جویند. هوهانس خان نیز... در آن مجمع به عنوان شکسپیرشناس برجسته‌ای از ایران شرکت کرد و در باره شکسپیر و آثار او به زبان انگلیسی سخنرانی کرد». (هوویان، ۱۳۸۰: ۲۸۵-۳۸۴)

در سال ۱۳۴۳ خورشیدی/۱۹۶۴ میلادی که چهارصدمین سال تولد شکسپیر و یکصدمین سال تولد آوانس خان بود، ارمنیان تهران مراسم باشکوهی برگزار کردند و از آوانس خان تجلیل کردند. (همان، ۱۳۸۰: ۳۹۴)

از آثار ماندنی آوانس خان، ترجمه فارسی او از سفرنامهٔ بنجامین نخستین وزیرمختار آمریکا در ایران است. عباس اقبال آشتیانی در مقالهٔ خود با عنوان «نخستین روابط سیاسی بین ایران و آمریکا» (در: مجلهٔ یادگار، شماره ۶، بهمن ۱۳۲۳) نوشته است: «کتاب ایران و ایرانیان تألیف بنجامین وزیر مختار آمریکا را در ایران، در سال‌های آخری سلطنت ناصرالدین شاه مرحوم آوانس خان مساعدالسلطنه (۱۳۵۰-۱۲۸۱ق.) از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده و ترجمهٔ او را مرحوم میرزا محمدحسین ذکاءالملک فروغی (متوفی سال ۱۳۲۵ق.) به انشای روان و درست فارسی درآورده و یک نسخهٔ ناتمام از آن در تصرف نگارندهٔ این سطور یعنی مدیر مجله یادگار هست... آوانس خان در زبان‌های انگلیسی و ارمنی کمال مهارت را داشت. ترجمه‌هایی که او از تمام نوشته‌های شکسپیر به ارمنی کرده، در این زبان جزء آثار ادبی محسوب است. این مرد، قسمتی از منظومات شکسپیر را به فارسی نیز ترجمه نموده و غیر از کتاب مستر بنجامین و بعضی

تئاترهای شکسپیر، کتاب سفرنامه برادران شرلی را هم از انگلیسی به فارسی نقل کرده و این ترجمه اخیر او در سال ۱۳۳۰ قمری در تهران به طبع رسیده است (اطلاعات نگارنده در باب مرحوم آوانس مساعداالسلطنه منقول است از نامه آقای دکتر هاکوبیانس^۱ رئیس محترم کلوپ آرامنه، و تاریخ جدید آرامنه تألیف باسمجیان به زبان فرانسه که در ۱۹۲۲ در پاریس به طبع رسیده و مقدمه کتاب انتونی شرلی^۲ به قلم مرحوم دنیسن راس^۳ که در سال ۱۹۳۳م در لندن چاپ شده و اطلاعاتی که آقای دکتر حق نظریان رئیس کتابخانه دانشسرای عالی داده‌اند و بعضی اطلاعات که از وزارت خارجه به دست آمده».

درباره کتاب «شورش هندوستان» ترجمه آوانس خان، مصحح این کتاب در مقدمه خود نوشته است: «تصوّر می‌رود که ترجمه به دقت و امانت انجام گرفته... زبان متن ساده و روان و عاری از کلمات و اصطلاحات مطمئن نثر فارسی قرن‌های سیزده و چهارده است، ضمن آنکه از اصطلاحاتی که در اواخر دوره قاجار رواج یافتند نیز نشانی در آن یافت نمی‌شود. از دیگر مشخصات نثر رساله است: وجود اصطلاح‌های تازه مانند شمال مغربی، هند مرکزی؛ و ترکیب‌های نو، از آن جمله آنچه با «عسکریه» ساخته شده است؛ همچون نظارت عسکریه، موقع عسکریه، دیوانخانه عسکریه، شورش عسکریه، یا آنچه از ترکیب ملّتی در معنای «ملّی» شکل گرفته؛ مانند شورش ملّتی، اتحاد ملّتی، عقاید ملّتی...، یا قصد مشترک که بعدها جای خود را به هدف مشترک داد یا عبارت «مختلفه النسل و السان والدین» که بهترین توصیف ملت هند بوده و هنوز هم هست». (ماسانین، ۱۳۷۲: ۳۵)

استاد ایرج افشار در مقدمه خود برای «شورش هندوستان» ترجمه آوانس خان، در معرفی آثار او نوشته است (ص ۱۶-۱۵): «ترجمه‌هایی که تاکنون از آوانس خان شناخته‌ام،

¹ Dr. G.Hakovbiantz

² Sir Anthony Sherly

³ Sir Denisson Ross

بر اساس نظم تاریخی به این صورت مرتب شدنی است... و پانزده سال در این رشته فعالیت مستمر داشته است:

- اخبار روز، ترجمه سال ۱۳۰۱.

- عقیده و لتر در باب ایران و هند، ترجمه سال ۱۳۰۱، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۳۷۸.

- سیاحتنامه وامبری، ترجمه سال ۱۳۰۲، کتابخانه سلطنتی سابق، ش ۲۴۰.

- شورش هندوستان در ۱۸۷۵، ترجمه سال ۱۳۰۴، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۵۹۰/۱.

- هندوستان و استیلای انگلیس، ترجمه سال ۱۳۰۴، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۵۹۰/۲.

- سفرنامه بنجامین آمریکایی، ترجمه سال ۱۳۰۵، کتابخانه سلطنتی سابق، ش ۲۱۹ و ۲۲۰.

- مدخلیت ایران در مسئله شرقی، نوشته فلیکس (فیلکس) ویچرسکی، ترجمه سال ۱۳۰۶، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۱۸۷. مطالعات فرهنگی

- سفرنامه استانلی به آفریقا، ترجمه سال ۱۳۰۸، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۱۷۰۹.

- تاریخ بیست و شش سال حکومت الکساندر دویم، ترجمه سال ۱۳۱۲، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۱۸۳۳.

- میشل استروگف، ترجمه سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ در دو مجلد، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۱۸۱۰ و ۱۸۵۲.

- سیاحت‌نامه دور دنیا ژول ورن از روی توردومند، ترجمه سال ۱۳۱۴، کتابخانه سلطنتی سابق، ش ۲۳۸.

- سفرنامه برادران شرلی که مرحوم علیقلی خان سردار اسعد آن را به چاپ رسانید.

- تحقیقات در باره چین از ولتر، ترجمه آوانس پسر زرگرباشی، کتابخانه ملک، ش ۳۷۲۴.

مساعدالسلطنه در تمام دوره خدمت وزارت امور خارجه و مخصوصاً دوران سفارت‌های خود در میان ایرانیان دارای احترام و در دربارهای خارجه معزز بود، و طبعاً با نشر راپرت‌های او از مأموریت‌هایی که رفت، می‌توان به میزان خدمات و قدرت دید سیاست او پی برد.

گزارش سفر و خاطرات آوانس خان

چنین می‌نماید که مساعدالسلطنه جز ترجمه‌هایی که معرفی شد، نوشته‌هایی از خود، دست‌کم یادداشت‌ها و خاطرات مأموریت‌هایش در برلن، لندن، و توکیو داشته که تاکنون مفقود است.

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۳۱۶، در شرح «سفرنامه» ای که به شماره ۸۲ ثبت شده و مشخصات آن «(خط) شکسته نستعلیق، سده ۱۴ (33968)، کاغذ فرنگی آهار-مهره، جلد تیماج مشکلی ضربی، ۲۴۹ برگ ۱۱/۵×۱۷/۵ - ۱۱ ش - ۱۱×۵/۵» ثبت شده، آمده است: گزارش سفر آوانس خان^۱ مساعدالسلطنه است از مرزهای ایران و دریای سیاه به برلین و لندن و توکیو. او از توکیو به خاربین منچوری آمد و در آنجا درگذشت و جنازه او را به تهران آورده بودند. او تئاترهای شکسپیر را به ارمنی و سفرنامه برادران شرلی را به فارسی درآورده بود، و این یکی در ۱۳۳۰ به چاپ رسیده است. (شمار، ۹۶۲) آوانس خان در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۹

^۱ Louhannes

به کارهای سیاسی در ایران می‌پرداخته است. در نسخهٔ ما گذشته از گزارش سفر آوانس‌خان، تاریخ خاندان قاجار و ترجمهٔ کتاب وزیرمختار آمریکا در ایران است که در نزدیکی‌های سال ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳ در ایران مأموریت داشته است.»

این نگارنده در دو بار مراجعه به کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، به لطف کتابدار نسخه‌های خطی آن مرکز موفق شد این کتاب را که اکنون در آنجا نگهداری می‌شود، ببیند. اما با دریغ بسیار ملاحظه شد که این نسخه فقط حاوی بخشی از ترجمهٔ خاطرات بنجامین است و هیچ نوشته‌ای از خاطرات خود مساعداالسلطنه ندارد. زیر برگ اول این نسخه، به خط و با جوهری متفاوت با خط و جوهر متن، نوشته شده است: «بنا بقول حضرت آقای محمدعلی ذکاءالملک فروغی این کتاب را مرحوم آوانس‌خان مساعداالسلطنه که در حدود بین ۱۳۱۲-۱۳۰۹ به مشاغل سیاسی از قبیل سفارت لندن و توکیو منصوب بوده فوت کرده است، از انگلیسی ترجمه نموده و مرحوم ذکاءالملک فروغی محمدحسن‌خان عبارات آن را اصلاح و انشاء کرده‌اند.» «آوانس‌خان که به زبان انگلیسی و ادبیات انگلیسی و ارمنی و فارسی آشنائی کامل داشت، ابتدا سفیر ایران در برلین بود. سپس به سفارت لندن و توکیو رسید و در مراجعت از توکیو در شهر خاربین منچوری فوت کرد و جنازهٔ او را به طهران آوردند. آوانس‌خان تمام تئاترهای شکسپیر را به ارمنی و بعضی را هم به فارسی ترجمه نمود و از ترجمه‌های او سفرنامهٔ برادران شرلی در سال ۱۳۳۰ قمری در طهران چاپ شده است.»

مراسم تشییع و ترحیم

آوانس‌خان، چنان که پیش‌تر یاد شد، روز ۲۷ آبان ۱۳۱۰ / ۱۹ نوامبر ۱۹۳۱ / ۸ رجب ۱۳۵۰ در ۶۷ سالگی در شهر خاربین منچوری درگذشت. هوویان نوشته است:

«جنازه او را به تهران آوردند و روز ۱۲ فروردین ماه ۱۳۱۱ طی تشریفات رسمی در قریه ونک در محوطه کلیسای روستای مزبور دفن کردند. به این مناسبت در روزنامه ایران روز ۵ شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۱۱ اطلاعیه‌ای به شرح زیر درج گردید: «خاطر عموم را محترماً مستحضر می‌دارد: روز جمعه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۱۱ یک ساعت قبل از ظهر مجلس ترحیم مرحوم آوانس خان مساعد (مساعدالسلطنه) وزیرمختار سابق ایران در لندن، برلن و تکیو در مدرسه آرامنه واقع در خیابان نادری منعقد خواهد بود و پس از اختتام مجلس مزبور جنازه برای تدفین به سمت قریه ونک حرکت داده خواهد شد».

«هیئت تشییع جنازه مرحوم آوانس خان مساعد پس از چندی جنازه آوانس خان ماسحیان را به تهران آوردند و در محوطه کلیسای مریم مقدس در خیابان میرزا کوچک خان دفن کردند». (هویان، ۱۳۸۰: ۳۹۳-۳۹۲)

از نامه‌ای از بلدیّه (= شهرداری) تهران به وزارت امور خارجه، مورخ ۱۳۱۰/۱۲/۲۸ (شماره ۱۶۰۵۴)، برمی‌آید که خانواده آوانس خان تقاضا داشته‌اند که جنازه او در حیاط کلیسای آرامنه در دروازه قزوین دفن شود، اما بلدیّه با این توجیه که «دفن و امانت گذاردن اموات از نظر حفظ الصحه عمومی در داخل شهر ممنوع می‌باشد» این درخواست را نپذیرفته است.

اداره تشریفات وزارت امور خارجه در گزارشی (به احتمال به عنوان وزیر) به تاریخ ۱۳۱۱/۱/۸ اعلام داشته است: «در این موقع که جنازه آوانس خان مساعد، یکی از صاحب‌منصبان ارشد وزارت امور خارجه که در خاربین در نتیجه چند روز کسالت وفات نموده، وارد تهران شده است مراسم مذهبی در روز جمعه ۱۲ فروردین یک ساعت قبل از ظهر در مدرسه آرامنه واقع در خیابان نادری به عمل خواهد آمد و سپس جنازه فقید مزبور در قبرستان آرامنه در ونک دفن می‌شود».

در اجرای دستور صادر شده زیر این گزارش، به امضای فروتن، که «به همین قرار به سفارتخانه‌ها و ادارات مربوطه اطلاع دهید»، مراتب طی نامه مورخ ۱۳۱۱/۱/۹ به اداره تشکیلات کلّ نظمیّه مملکتی (شهربانی) و بلدیّه تهران منعکس شده و اطلاعیه‌ای نیز به همان متن گزارش یاد شده برای رؤسا و اعضای وزارت امور خارجه فرستاده و خواسته شده است که حتّی الامکان در این مراسم حضور یابند و شماری حدود ۲۵ نفر، به نشانه آمادگی برای حضور در مراسم، زیر این برگ را امضاء کرده‌اند.

کازاما نوشته است: «مراسم ترحیم آوانس خان در تهران در یک کلیسای ارمنی برگزار شد. من به این مجلس رفتم. این مراسم که در هوای باز انجام می‌گرفت، ساده اما شکوهمند بود؛ و به دیدن آن متأثر شدم». (کازاما، ۱۳۰۸: ۸۵)

نیز، چنان که عباس اقبال نوشته است، پس از درگذشت آوانس خان در خاربین، «چون جنازه او به سیبری رسید، اولیای امور محل به خیال آن که سفیر ایران مسلمان بوده از نعش او به آداب اسلامی تشییع کردند».

گزارش مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۴ ش. اداره تشریفات وزارت امور خارجه و نامه مورخ ۱۴ مهر ۱۳۱۱ سفارت ایران در مسکو می‌رساند که مخارج حمل جنازه آوانس خان از خاربین به مسکو و از آنجا به تهران به هزینه و حساب خود او گذاشته شد.

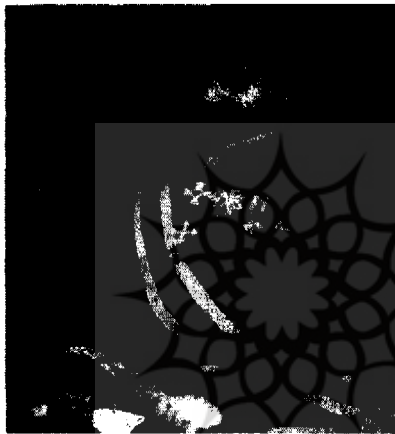
سال‌های خدمت رسمی و بازماندگان مساعدالسلطنه

آوانس خان هنگام مرگ، دو برادر کوچک‌تر به نام‌های قاراپط و اسکندر و دو خواهر به نام‌های رژینی و زاروهی داشته است که در اعلان انحصار وراثت (نمره ۵۶۹، مورخ ۱۳۱۱/۸/۱ ش. وزارت عدلیه) وارثان منحصر او معرفی شده‌اند. این اعلان در روزنامه کوشش (شماره‌های ۲۳۷ - ۱۵ آبان ۱۳۱۱، و ۲۶۳ - ۱۵ آذر ۱۳۱۱) و مجله رسمی وزارت عدلیه در همان ایام درج شد.

آوانس خان مساعد السلطنه؛ نخستین وزیرمختار ایران ... ۱۰۱



میرزا آسان خان مساعد السلطنه



میرزا آسان خان مساعد السلطنه
در ایستگاه آوانس در آستانه ورود به ایران در سال ۱۳۰۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آوانس خان مساعد السلطنه

نخستین سفیر کبیر ایران در ژاپن سال ۱۳۰۹ش.



وزارت امور خارج

شماره
تاریخ
شماره

استادان و آقایان
مقامات عالی رتبه
وزارت امور خارج
تهران

استادان و آقایان
مقامات عالی رتبه
وزارت امور خارج
تهران

مجلس شورای ملی
مجلس شورای عالی
وزارت امور خارج
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت عدالت
وزارت جنگ
وزارت راه و ترابری
وزارت دارایی
وزارت صنایع و معادن
وزارت نفت
وزارت هوا و فضا
وزارت اطلاعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت بهداشت و درمان
وزارت ورزش و جوانان
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
وزارت امور محلی و دهیاریها
وزارت امور ایالتی
وزارت امور فدرال

فهرست
وزارت امور خارج
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت عدالت
وزارت جنگ
وزارت راه و ترابری
وزارت دارایی
وزارت صنایع و معادن
وزارت نفت
وزارت هوا و فضا
وزارت اطلاعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت بهداشت و درمان
وزارت ورزش و جوانان
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
وزارت امور محلی و دهیاریها
وزارت امور ایالتی
وزارت امور فدرال

منابع

- آکادمی علوم ارمنستان، انستیتو هنر (بی‌تا)؛ شکسپیرنامه، ایروان: آکادمی علوم ارمنستان.
- احتشام‌السلطنه، محمودخان قاجار دولّو غلامیر (۱۳۶۸)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش: محمدمهدی موسوی، چاپ سوم، تهران: زوآر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۶)، *روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری*، به کوشش: ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ، *چهل سال تاریخ ایران: المآثر و الآثار* (۱۳۶۲)، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، به کوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، چاپ سوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اقبال آشتیانی، عباس، *نخستین روابط سیاسی بین ایران و آمریکا*، مجله یادگار، س اول، شماره ۶ (بهمن ۱۳۲۳).
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۶)، *تلاش آزادی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نوین.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳)، *شرح حال رجال ایران*، چاپ سوم، تهران: زوآر.
- بنجامین، ساموئل گرین؛ ایران و ایرانیان، *خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران - سال‌های ۱۸۸۳ - ۱۸۸۵ میلادی* (۱۳۶۳) ترجمه: آوانس‌خان مساعداالسلطنه، به کوشش: رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات*، تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران: ضمیمه سال دهم مجله دانشکده ادبیات تهران (شماره ۱ سال هشتم).
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۶۹)، *سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- رابینو، لوئی (۱۳۶۲)، *دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس*، ترجمه و تألیف: غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر نو.
- شرلی (۱۳۵۷)، *سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر*، ترجمه: آوانس، با مقدمه محبت آیین، چاپ دوم، تهران: منوچهری.
- شورش هندوستان، ترجمه آوانس ماسثیان (۱۳۷۲)، به کوشش: صفاءالدین تبرآئیان، با مقدمه ایرج افشار، تهران: نیلوفر.
- صالحی، عباسعلی (۱۳۵۰)، *هم‌میهنان نقش آفرین مسیحی*، تهران: انتشارات صالح.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹)، *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، تهران: نشر گفتار.

عقیده در باب ایران و هند، ترجمه سال ۱۳۰۱ هـ.ق.، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ف ۳۷۸.
علوی، ابوالحسن (۱۳۵۶)، رجال عصر مشروطیت، به کوشش: حبیب یغمایی، تهران: ایرج افشار.
فرهنگ قهرمانی، عطاءالله (۱۳۵۶)، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی، تهران: چاپخانه مجلس.
کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، (مشاهدات و تحلیل اجتماعی - سیاسی) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشار.

کازاما، آکیو (۱۳۸۰)، سفرنامه کازاما: سفرنامه و خاطرات آکیو کازاما نخستین وزیرمختار ژاپن در ایران (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ خورشیدی)، ترجمه: هاشم رجبزاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، چاپ سوم، تهران: زوآر.

ممتحن الدوله شقاقی، مهدی و میرزا هاشم (۱۳۶۵)، رجال وزارت امور خارجه در عهد ناصری و مظفّری، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.

ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۲)، تاریخ پیداری ایرانیان، چاپ چهارم، به کوشش: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر آگاه.

وحیدالملک شیبانی، عبدالحسین (۱۳۷۸)، خاطرات مهاجرت، به کوشش: ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: شیرازه.

هوویان، اندرانیک (۱۳۸۰)، ارمنیان ایران، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

هوویان، اندرانیک (۱۳۸۱)، ایرانیان ارمنی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هیئت مراسم یادبود هوانس خان؛ نشریه هیئت مراسم یادبود هوانس خان ماسحیان (مساعداالسلطنه) به مناسبت سی‌امین سالگرد وفات او، تهران: ۱۳۴۲.



شپو بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی